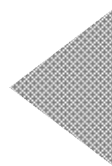


مقایسه نسل های قدیم و جدید شهرهای

جدید در چین (مطالعه موردی: منطقه کلانشهری شانگهای)



پارسا ارباب^۱

مهدی صدیقی^۲

(تاریخ دریافت ۹۹/۴/۱۹ - تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱/۱۴)

نوع مقاله: علمی ترویجی

چکیده

مفهوم عمومی شهر جدید، با تمرکز بر ماهیت متمایز چین در قالب ضرباهنگ سریع رشد و توسعه شهری، بازتاب دهنده ابعاد اختصاصی این رویکرد مبنی بر شهرسازی مقدم بر شهرنشینی است. از این رو، نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در چین، با استناد به نمونه منطقه کلانشهری شانگهای، رهیافتی در مواجهه با افزایش فزاینده جمعیت شهرنشین هستند که در عین حال، ارتقاء سریع رشد اقتصادی و متعاقباً بهبود رقابت پذیری و کاهش نابرابری های منطقه ای را هدفگذاری می کنند. کلانشهر شانگهای و منطقه کلانشهری شانگهای، بستر تبلور این جریان هستند که نخست و ناگزیر بر ابعاد کمی توسعه متمرکز است، اما به تدریج، ابعاد کیفی آن را نیز مخاطب قرار می دهد. این چنین، اگر نسل قدیم شهرهای جدید بر تدارک مسکن در خدمت فعالیت های صنعتی و سپس کارکرد اقتصادی تاکید داشتند، نسل جدید، توسعه مسکونی را به

۱- استادیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

parsaarbab@ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عنوان محرکی برای رشد اقتصادی و متعاقبا زیست پذیری و کیفیت زندگی، هدفگذاری می کنند. اگر نسل قدیم با اتکا به مدل صنعتی اتحاد جماهیر شوروی، توسعه حومه شانگهای و پراکنده رویی شهری مبتنی بر الگوی تک مرکزی را دنبال می کردند، نسل جدید به دنبال ساختار فضایی چندمحور، چندلایه و چندمرکزی منطقه کلانشهری شانگهای است. آنچه در سیر تحول ایجاد و توسعه نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در منطقه کلانشهری شانگهای قابل توجه است، تقلیل نقش دولت مرکزی و تفویض اختیار به دولت های محلی و شرکت های توسعه و ساخت است که متمم آن، تغییر در مکانیزم سرمایه گذاری است. توجه به سایر ابعاد و ویژگی های این جریان، می تواند برای سایر کشورها، از جمله ایران، که این سیاست هم چنان در آن ها موضوعیت دارد، شناسایی و کاربست تدابیری را در پی داشته باشد که با لحاظ اشتراکات شکلی و محتوایی و افتراقات زمینه ای و اختصاصی، راهگشا خواهند بود.

کلیدواژه ها: برنامه ریزی شهری، شهرهای جدید، توسعه شهری، منطقه کلانشهری، شانگهای،

چین

۱- مقدمه

همانگونه که شولتر می گوید فرصت جهت آبادی گزیدن در سرزمین های بکر برای انسان امروزین بسیار به ندرت دست داده است و چنین رویدادی را می باید از وقایع صرفا تاریخی به شمار آورد. یکی از این فرصت ها، جنبش نوشهرها و شهرهای پسا جنگ جهانی به ویژه در انگلستان است که منجر به شکل گیری چارچوب فکری شهرهای جدید و سپس احداث آن ها برای حل مشکلات بر مبنای سیاست تمرکززدایی در فضاهای شهری پر تراکم شد. اثرات این سیاست، مبنی بر تقدم شهرسازی بر شهرنشینی در قالب ایجاد و توسعه شهرهای جدید به عنوان اجتماعات از پیش برنامه ریزی شده بر اساس اهداف مشخص، با جمعیت و مساحت تعریف شده، فاصله معین از مادر شهر و برخورداری از تمام امکانات و تسهیلات لازم برای یک محیط مستقل، تا به امروز در سراسر جهان نمود یافته است (زیاری، ۱۳۸۵؛ بصیرت، ۱۳۹۵).

تجارب ایجاد و توسعه شهرهای جدید در دنیا از منظر ماهیت برنامه ریزی و هدفگذاری در عرصه راهبردی و متعاقبا میزان تحقق پذیری و موفقیت در عرصه عمل، موضوعی مهم و مورد توجه از سوی پژوهش های بسیاری با موضوع شهرهای جدید است. در این میان، تمرکز بر فرآیند تغییر و تحول رویکردهای جدید در مقایسه با نمونه های گذشته و قدیمی، می تواند

نگاهی متفاوت، متمایز و در عین حال راهگشا نسبت به پژوهش های یاد شده با هدف شناسایی جایگاه، انتظارات، مسائل و پاسخ های گذشته و کنونی در مسیر نیل به کارآمدی سیاست ایجاد و توسعه شهرهای جدید باشد. بر این اساس، اینکه مبتنی بر تجربه نسل قدیم شهرهای جدید در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، نسل جدید یا نسل های آتی این شهرها، از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم تاکنون، در چه مسیری هدفگذاری شده، برنامه ریزی شده و توسعه یافته اند، جهت گیری متفاوتی با هدف طرح و تدقیق مسئله در حوزه مطالعه شهرهای جدید و متعاقباً کاربری آن در عرصه عمل است (ارباب و بصیرت، ۱۳۹۵). به همین منظور مقاله حاضر، ایجاد و توسعه نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در چین را، با تمرکز بر منطقه کلانشهری شانگهای، از منظر اهداف، الگوها و نقش ها، نقاط قوت و ضعف، مسائل و چالش ها و نیز ارتباط با ابعاد آمایش سرزمین، اسناد، طرح ها، برنامه ها و استراتژی های محلی، منطقه ای و ملی، مورد مذاقه قرار داده است. سیاست ایجاد و توسعه شهرهای جدید، مولفه ای از سیاست شهرنشینی است و بر این اساس، سیر تحول مذکور، شامل دوره های برنامه ریزی شهری سراسری در چین است که کلانشهر شانگهای و منطقه کلانشهری شانگهای به ترتیب در مقاطع زمانی ۱۹۴۶، ۱۹۵۸، ۱۹۶۰، ۱۹۷۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ م. و با اهتمام نسبت به تمرکززدایی و کاهش نابرابری های منطقه ای دنبال نموده است (Shi and Chen, 2015; Tan, 2010). این مسیر در عین حال، گویای حرکت از پاسخ به چالش های جمعیتی منتج از افزایش فزاینده شهرنشینی به سمت تعدیل مسائل زیست محیطی، توجه به حساسیت های اکولوژیکی و توسعه شهری پایدار در کشور چین است.

در دنیای بیش از پیش جهانی و متصل امروز، بیش از نیمی از مردم در شهرها زندگی می کنند. این میزان در قرن اخیر از ۳۰ درصد در دهه ۱۹۵۰ م، به بیش از دو برابر افزایش خواهد یافت به نحوی که پیش بینی می شود که تا افق ۲۰۵۰، شهرها حدود ۷۰ درصد از جمعیت جهان را در خود جای دهند. این در حالی است که مقصد و محل این شهرنشینی فزاینده، که بالغ بر ۲.۵ میلیارد ساکن شهری است، عمدتاً شهرهای کشورهای در حال توسعه خواهند بود (Arbab, 2018; UN DESA, 2015). چین از جمله کشورهایی است که از هنگام اجرای اصلاحات

اقتصادی و اعمال سیاست درهای باز^۱ در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ م.، یکی از سریع ترین رندهای اقتصادی دنیا را داشته است، کشوری که در حال حاضر دومین اقتصاد بزرگ دنیا را پس از ایالات متحده در اختیار دارد و بزرگترین صادر کننده و دومین وارد کننده کالا در جهان است. در همین حال، این کشور با چالش های بزرگی در روند شهرنشینی و شهرگرایی نیز روبرو است که ریشه در رشد روزافزون جمعیت، تراکم بالای جمعیت و رشد سریع شهرنشینی دارند. آخرین جمعیت برآورد شده چین در سال ۲۰۱۸، حدوداً معادل ۱.۴ میلیارد نفر در ناحیه جغرافیایی به وسعت ۹.۶ میلیون کیلومتر مربع است. از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۶ م. و در بازه ای حدوداً ۳۰ ساله، میزان جمعیت شهرنشین در چین از ۱۸ درصد به حدود ۲۵٪ برابر یعنی ۴۴ درصد افزایش یافته که همراه با انتقال جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ میلیون نفر به شهرها بوده است. این در حالی است که برآوردهای فعلی حاکی از مهاجرت جمعیتی بالغ بر ۵۰۰ میلیون نفر طی ۳۰ سال آینده به شهرهای چین است که متعاقباً نرخ شهرنشینی این کشور را به بیش از ۷۰ درصد افزایش خواهد داد (Xue, Wang, and Tsai, 2013).

چین دارای فرهنگی طولانی و غنی است که الگوی شهری خاص خود را شکل داده است. الگوی شهری سنتی در چین، شهر دیواری^۲ است که برنامه ریزی آن، قواعد و استانداردهای خاصی را دنبال می کرد. شاید نخستین قاعده برنامه ریزی در این کشور به سلسله ژو^۳ در هزار سال قبل از میلاد بازگردد، زمانی که رسماً قوانین برنامه ریزی شهری ثبت گردید (Wu, 2015). این کشور طی چند دهه اخیر دستخوش تحولات بزرگ مقیاس شهری و گسترش سریع شهری بوده است (Yin, Liu, and Wang, 2018). در حوزه شهرنشینی، مسائل متعددی پیش روی چین قرار دارد. کمبود مسکن، بزرگ ترین چالش شهری این کشور است. هر ساله، میلیون ها نفر از روستاها به نقاط شهری مهاجرت می کنند و متعاقباً تامین مسکن قابل استطاعت برای آن ها، یکی از مشکلات مهم دولت است. مشکلات ترافیکی، دیگر مسئله مهم در این کشور است که به دنبال مدرنیزاسیون و افزایش خودروهای شخصی و از طرف دیگر، کمبود حمل و نقل عمومی پدیدار شده اند. مسئله بعدی، کمبود زمین است. رشد شهرنشینی و صنعتی

1- Open Door Policy

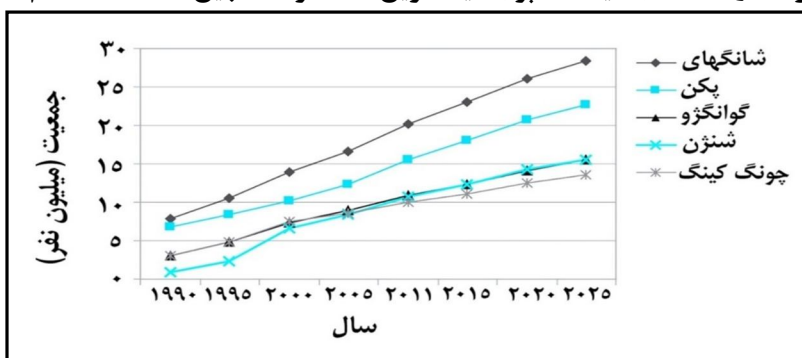
2- Walled City

3- Zhou Dynasty

شدن، با کاهش مستمر زمین های زراعی چین همراه بوده است. این در حالی است که بخش وسیعی از مناطق این کشور توسط کوه ها و بیابان های سنگی و مراتع خشک پوشانده شده که عملاً برای کشاورزی نامناسب اند (بصیرت، ۱۳۹۵).

در این میان، راهبردها و جهت گیری های اخیر، حاکی از عزم راسخ این کشور برای توسعه متعادل تر است. قاعده مند شدن شهرها و نواحی جدید نیز از جمله موارد مورد تصریح در این خصوص است. در حال حاضر شهرنشینی و تحولات شهری این کشور در نتیجه مجموعه ای از سیاست ها و جریان های تمرکززدایی^۱، بازاری شدن^۲ و جهانی شدن^۳ به واسطه میراث نظام های نهادی و در بستر سرعت سریع توسعه همراه با مواجهه با مشکلات مختلف در حال شکل گیری است. در این میان، واقعیات شهرها، مدیریت و نحوه اداره و پاسخ دهی موثر و کارآمد آن ها به نیازهای فزاینده جمعیت شهری، نقش به سزایی را دارا هستند (UNDP, 2013; Liu et al., 2014; Yin, Liu, and Wang, 2018). تصویر ۱، روند رشد جمعیت در ۵ کلانشهر چین را نشان می دهد. توافق ۲۰۲۵ م، کلانشهرهای شانگهای، پکن، گوانگژو، شنژن و چونگ کینگ در مجموع جمعیتی بالغ بر ۸۵ میلیون نفر را در خود جای خواهند داد. این در حالی است که اگر این شهرها در قالب مناطق کلانشهری خود مورد توجه قرار گیرند، ابعاد موضوع بسیار وسیع تر خواهد بود.

تصویر ۱: روند رشد جمعیت در پرجمعیت ترین کلانشهرهای چین (۲۰۲۵-۱۹۹۰ م.)



(UNDP, 2013)

- 1- Decentralization
- 2- Marketization
- 3- Globalization

۲- روش تحقیق

بر این اساس، پژوهش حاضر در جایگاه یک مقاله مروری، تجارب ایجاد و توسعه شهرهای جدید را از منظر ماهیت برنامه ریزی و هدفگذاری در عرصه راهبردی و متعاقبا میزان تحقق پذیری و موفقیت در عرصه عمل، به صورت ساختاریافته و در قالب مقایسه نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در چین با تمرکز بر منطقه کلانشهری شانگهای، مورد مذاقه قرار می دهد. ارزش افزوده این مرور جامع و متعاقبا محتوای منتج از آن در این مقیاس، دلالت ها، تفسیر و استفاده از یافته ها، سنتز آن ها و هم چنین نمایش شواهد در سطحی فراگیر است که به کشف نواحی مورد نیاز برای انجام تحقیقات بیشتر منجر خواهد شد که خود مولفه ای کلیدی برای خلق و کاربست چارچوب های نظری و مدل های مفهومی است (Snyder, 2019; Van Wee, 2016 and Banister, 2016).

روش اصلی تحقیق، مرور پژوهش های مرتبط و شناسایی شده است که در اینجا به جای فراهم کردن پایه ای برای خود محقق، نقطه شروع خوبی را برای همه علاقمندان به یک حوزه به خصوص، برنامه ریزی و توسعه شهرهای جدید در معنای عام و نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در در معنای خاص، فراهم می سازد (Pare and Kitsiou, 2016). تکمیل کننده این مسیر، پژوهش موردی برای امکان سنجی چرایی و چگونگی در زمینه و صورت واقعی، منطقه کلانشهری شانگهای، می باشد (Yin, 2003). این چنین، نخست به ماهیت شهرهای جدید در چین پرداخته می شود. سپس، ایجاد و توسعه نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در چین، با تمرکز بر منطقه کلانشهری شانگهای، مورد توجه قرار می گیرد. متعاقبا، نسل های قدیم و جدید از منظر اهداف، الگوها و نقش ها، نقاط قوت و ضعف، مسائل و چالش ها و نیز ارتباط با ابعاد آمایش سرزمین، اسناد، طرح ها، برنامه ها و استراتژی های محلی، منطقه ای و ملی، مورد مقایسه و بحث قرار می گیرند. به این ترتیب و همانطور که در مقدمه نیز تبیین گشت، چرایی و چگونگی کارآمدی سیاست ایجاد و توسعه شهرهای جدید به واسطه تحلیل و مقایسه جایگاه، انتظارات، مسائل و پاسخ های گذشته و کنونی هدفگذاری شده است، رهیافتی که می تواند با لحاظ اشتراکات شکلی و محتوایی و افتراقات زمینه ای و اختصاصی در سایر کشورها، از جمله ایران، مورد کاربست قرار گیرد. این چنین، بخش پایانی مقاله ضمن بحث و نتیجه گیری در قالب مقایسه ابعاد و ویژگی های نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در منطقه کلانشهری

شانگهای، توصیه های سیاستی در خصوص برنامه ریزی برای ایجاد و توسعه نسل دوم شهرهای جدید در ایران را نیز در پی دارد.

۳- ماهیت شهرهای جدید در چین

مفهوم شهر جدید به طور گسترده ای با روش ها و اهداف توسعه و ساخت و ساز شهری متفاوت است. در بریتانیا، شهر جدید به عنوان یک جامعه شهری جدید مطابق با قانون ساخت و ساز شهر جدید تعریف شده است. در فرانسه، شهر جدید به مناطق بزرگ مسکونی حومه های درونی و شهرهای اقماری نواحی حاشیه ای اشاره دارد. در ژاپن، یک شهر جدید عمدتاً به شهرهای جدید اقماری و شهرهای اصلی کسب و کار در اطراف شهر مرکزی ارجاع دارد. شهرهای جدید ایالات متحده شامل تمامی مناطق شهری تازه تاسیس شده، شهرهای دوباره ساخته شده یا شهرهای اقماری در اطراف شهرهای بزرگ و یا بر اساس شهر اصلی می باشند. بنابراین، به طور کلی، تمام شهرها و شهرک هایی که اخیراً ساخته شده اند، می توانند یک شهر جدید نامیده شوند. در یک معنای محدود، شهر جدید به طور اختصاصی به شهرهایی در حومه های شهرهای بزرگ اشاره دارد که اخیراً و به منظور پراکنده ساختن یا جذب کردن جمعیت شهر مرکزی و نیز انجام بخشی از عملکرد شهرهای مرکزی، در عین حال که یک شهر نسبتاً مستقل هستند، برنامه ریزی شده و توسعه یافته اند (Shi and Chen, 2015).

در چین، اصطلاح شهر جدید بسیار کلی و عمومی مورد استفاده قرار می گیرد و می تواند هم زمان به سکونتگاه های جدید یا پروژه های بازآفرینی شهری اشاره کند. از لحاظ کاربری زمین، یک شهر جدید در چین می تواند به دلیل مقیاس وسیع آن، صرفاً پروژه مسکونی باشد. همچنین می تواند به یک مرکز مالی جدید، یک شهر لبه ای مشتمل بر ساختمان های اداری خوشه ای یا یک پردیس طراحی شده دانشگاهی اطلاق گردد. از لحاظ موقعیت، شهر جدید شامل توسعه یک منطقه تجاری در مجاورت یک منطقه ساخته شده از شهر است. نمونه هایی از این شهرهای جدید شامل شهر جدید رودخانه پرل یا مروارید^۱ در گوانگژو، ناحیه یا محله جدید ژنگدونگ^۲ از ژنگژو، یا شهر جدید هگسی^۳ از نانجینگ می باشد. این شهرها شبیه به کنری وورف^۴ در لندن

1- Pearl River

2- Zhengdong

3- Hexi

4- Canary Wharf

یا لادفانس^۱ در پاریس هستند که به طور معمول به عنوان شهر جدید شناخته نمی شوند. دیگر انواع شهرهای جدید مانند ییژوانگ^۲ از پکن یا سانگژیانگ^۳ در شانگهای، در فاصله ای از منطقه مرکزی واقع شده و به معنای واقعی کلمه، شهرهای جدید مستقل هستند. این شهرهای جدید بزرگ، مناطق صرفاً مسکونی نبوده، بلکه شامل ترکیبی از توسعه های مسکونی، صنعتی و اداری هستند. بر این اساس، شهر جدید چینی، متنوع و متفاوت از شهرهای جدید و شناخته شده پساجنگ در بریتانیا است، مبنی بر اینکه به عنوان یک قطب رشد^۴ در منطقه شهری و در مقابل جذابیت های شهر مرکزی ساخته می شود. هم چنین، شهرهای جدید بازتاب دهنده رویکرد توسعه برنامه ریزی شده و رسمی در مقابل تحولات بدون برنامه و غیر رسمی در حومه های چینی هستند. این در حالی است که در چین، شهر جدید در واقع یک پلتفرم سرمایه گذاری و تامین مالی^۵ است. برنامه ریزی نقش فعالی در فرآیند خلق مفاهیم توسعه جدید ایفا می کند، در حالی که ایجاد و بهره برداری از یک شهر جدید متکی بر یک پلتفرم سرمایه گذاری و تامین مالی به منظور افزایش سرمایه در زمینه تضمین زمین است (Wu, 2015). جدول ۱، تلقی های متفاوت و متنوع از شهر جدید در چین را در قالب مفاهیم شهر جدید، شهر جدید اقماری و منطقه جدید شهری نشان می دهد. بر این اساس و همانطور که به تفصیل تبیین خواهد شد، سیر تحول ساخت و توسعه شهرهای جدید در چین در چارچوب نسل های قدیم و جدید، در بستر مفاهیم شهر جدید اقماری و شهر جدید، متبلور شده و متمایز می شود.

1- La Defense

2- Yizhuang

3- Songjiang

4- Growth Pole

5- Investment and Financing Platform

جدول ۱: مفاهیم شهر جدید، شهر جدید اقماری و منطقه جدید شهری در چین

شهر جدید	منطقه جدید شهری	شهر جدید اقماری	
یک شهر نسبتا مستقل واقع در حومه های شهرهای بزرگ که اخیرا با هدف پراکنده ساختن جمعیت و به عهده گرفتن بخشی از عملکردهای شهر مرکزی، برنامه ریزی شده و توسعه یافته است.	یک شهر نسبتا مستقل که عمدتا صنعتی و از نظر عملکردی متنوع است و دارای یک مرکز خوشه بندی جدید و قطب رشد اقتصادی پیرامونی در فرآیند گسترش و توسعه است.	جوامع شهری جدید یا شهرک های صنعتی	مفهوم
بیشتر وابسته به شهر درونی، مقیاس و سطح اداری متوسط	مقیاس بزرگتر، سطح اداری بالاتر، ساختار صنعتی متنوع، یکپارچگی میان صنعت و شهر	مقیاس کوچک، سطح اداری پایین و ساختار نسبتا منفرد صنعتی	مشخصه
شهر جدید سانگزیانگ، شهر جدید نانکیانو ^۷ ، شهر جدید کینگپو ^۸ و...	منطقه جدید پودونگ ^۴ (شانگهای)، منطقه جدید بینهای ^۵ (تیانجین)، منطقه جدید شیان-شیانیانگ ^۶ (شانتشی) و...	شهر جدید کائولو ^۱ (منطقه جدید پودونگ)، شهر جدید سنجینگ ^۲ (منطقه سانگزیانگ)، شهر جدید پوجیانگ ^۳ (منطقه مینهانگ) و...	نمونه

(Shi and Chen, 2015)

۴- ایجاد و توسعه نسل قدیم شهرهای جدید در چین

ایجاد و توسعه شهرهای جدید در چین را باید در چارچوب ملاحظات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی و متعاقبا سیاست های ملی و منطقه ای وسیع تری که برنامه توزیع مجدد جمعیت را با ساخت و ساز و یکپارچگی نقش های مناطق کلانشهری ترکیب می کند، مورد توجه قرار داد (مدرس و دیگران، ۱۳۸۴). بر این اساس، شهرهای جدید در دوره سوسیالیسم چین به عنوان شهرهای اقماری^۹ با ماهیت صنعتی و به واسطه اعمال سیاست از بالا به پایین معرفی

- 1- Caolu
- 2- Sijing
- 3- Pujiang
- 4- Pudong New Area
- 5- Binhai New Area
- 6- Xi'an-xianyang New Area
- 7- Nanqiaue
- 8- Qingpu
- 9- Satellite Towns

شدند (Wu, 2015). این شهرهای اقماری که اساسا شهرهایی صنعتی یا مبتنی بر صنعت در شانگهای بودند، با نسل نخست شهرهای اقماری در انگلستان که عمدتا برای حل مشکل مسکن بودند، متفاوت هستند (Shi and Chen, 2015). آن ها که نخست در شانگهای و پکن عملیاتی شدند، نتیجه مستقیم تقلید چین از مدل صنعتی اتحاد جماهیر شوروی بودند که بر تمرکز گره گونه تعداد زیادی از کارخانه های تولیدی تاکید داشت (Fung, 1981; Tan, 2010). در شانگهای، شهرهای جدید در برنامه کلانشهری سال ۱۹۴۸ م. در دوره جمهوری چین (۴۹-۱۹۱۲ م.) و پس از جنگ دوم چین و ژاپن (۴۵-۱۹۳۷ م.) مطرح شدند که در چارچوب اولین تلاش ها برای توسعه حاشیه شانگهای بودند. بنابراین، به منظور پاسخگویی به رشد سریع شهری و احیای بزرگترین مرکز بین المللی مالی در شرق دور، دولت ملی برنامه جامعی را برای توسعه چندین شهر جدید در پیرامون این شهر که هریک ظرفیت ۱/۶ تا ۱/۸ میلیون نفر داشته باشند تهیه نمود. در نتیجه، ده منطقه صنعتی تخصصی در حاشیه شهر اصلی ساخته شدند و به دنبال آن، ۹ پروژه مسکونی در قالب روستاهای کارگری ایجاد گردید. این استراتژی توسعه حومه ای مبتنی بر مدل تک مرکزی^۱، صرفه جویی در تامین خدمات عمومی را هدفگذاری می کرد. ده سال بعد، در سال ۱۹۵۶، زمانی که شانگهای به عنوان بزرگترین پایگاه صنعتی در چین شناخته شد، شهرداری، توسعه چندین شهر اقماری را برای میزبانی توسعه وسیع صنعتی پیشنهاد نمود. این مقطع زمانی تا حدی با تغییر سیاست های ملی شهری از مدل اتحاد جماهیر شوروی به سمت تاکید بر عدم تمرکز جمعیت و صنایع با توجه شهرهای کوچک و متوسط همراه بود. ده روستای مجاور استان های جیانگسو^۲ و ژجیانگ^۳ تحت اداره شهر قرار گرفتند. بعد از آن، قدرت اداره رسمی در سرتاسر مناطق داخلی به شهرداری تفویض گردید و این چنین، طرح کلی برای ساخت پنج شهر اقماری صنعتی در یک بازه ۱۵ ساله آغاز گردید (Shen, 2011).

در سال ۱۹۵۸، طرح جامع شانگهای پیشنهاد مذکور را دنبال نمود و ایجاد پنج شهر جدید اقماری (مینهانگ^۴، ووچینگ^۵، آنتینگ^۶، سانگژیانگ و جیادینگ^۱) را تثبیت کرد. در دهه ۱۹۷۰ م.

1- Monocentric Model

2- Jiangsu

3- Zhejiang

4- Minhang

5- Wujing

6- Anting

صنایع پتروشیمی بزرگ در جینشان (جینشانوی)^۲ واقع در جنوب شانگهای و صنایع آهن و فولاد در بائوشان^۳ واقع در شمال این شهر توسعه یافتند (Wu, 2015). به این ترتیب، برنامه ریزی و توسعه نمونه های بعدی از شهرهای جدید آغاز گردید که با هدف ایجاد دو پروژه صنعتی بزرگ مقیاس مورد توجه قرار گرفتند (Shen, 2011). برای حمایت از شرکت های بزرگ دولتی و بهره گیری از توسعه های جدید، شانگهای دو شهر جدید را برای این مکان ها برنامه ریزی کرد و متعاقباً طرح جامع ۱۹۸۰ م. شانگهای، یک سیستم شهری و دو کریدور رشد^۴ ویژه را تعریف نمود. کریدور شمالی در امتداد رودخانه های ووسانگ و یانگ تسه به سمت شهر جدید در بائوشان (ووسانگ) و کریدور جنوبی به سمت ووچینگ، مینهانگ و نهایتاً شهر جدید جینشان در جنوب توسعه می یافتند (Wu, 2015). در اواخر دهه ۱۹۸۰ م، دو شهر جدید مذکور تا حدودی توسعه یافته و به تدریج و با احداث مسکن و سایر امکانات مسکونی، نیمی از کارگران در آن ها مستقر شدند (Shen, 2011).

تصویر ۲ و جدول ۲ موقعیت و مشخصات ۷ شهر جدید اقماری (نسل قدیم) در شانگهای را نشان می دهند. پیش فرض فاصله ۲۰ الی ۷۰ کیلومتری شهرهای جدید اقماری نسبت به شهر مرکزی (شانگهای) از سوی برنامه ریزان این بود که مطمئناً این فاصله مانع از جذب آن ها و همینطور مشکل گسترش شدید ساخت و ساز تحت تاثیر شهرهای بزرگ گردد. در عین حال این فاصله، مزیت های متقابل اختصاصی در تولید صنعتی و دیگر روابط و وابستگی های عملکردی را نیز حفظ می کرد (Fung, 1981). شایان ذکر است که تا این مقطع زمانی، توسعه شهرهای اقماری عمدتاً با سرمایه گذاری دولت در صنایع و مسکن دولتی^۵ انجام می گشت (Wu, 2015).

1- Jiading

2- Jinshan(wei)

3- Baoshan

4- Growth Corridors

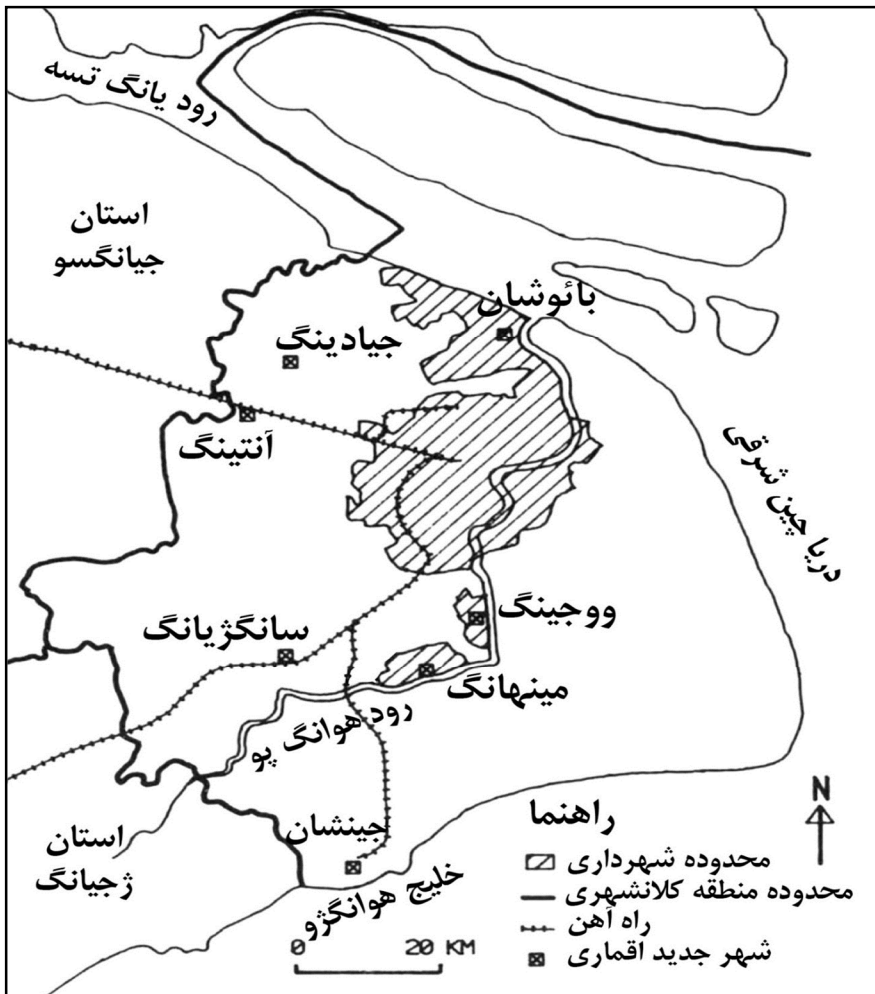
5- Public Housing

جدول ۲: مشخصات شهرهای جدید اقماری (نسل قدیم) در منطقه کلانشهری شانتگاهی (۱۹۹۰ م).

نام شهر	صنایع عمده	فاصله از مرکز (کیلومتر)	مساحت (کیلومتر مربع)		جمعیت (۱۰ هزار نفر)		ارزش صنعتی		آغاز ساخت
			موجود	برنامه ریزی شده	موجود	برنامه ریزی شده	کارگر (۱۰ هزار نفر)	تولید صنعتی (میلیارد دلار)	
کل									
مینهانگ	ماشین آلات	۳۱	۲۰.۷	۶۰	۱۰.۷	۵۰	۱.۰۳	۰.۳۲	۱۹۵۸
ووجینگ	شیمیایی	۲۵	۲۰.۷	۶۰	۲.۵	۵۰	۱.۰۳	۰.۳۲	۱۹۵۸
جیادینگ	علوم و تحقیقات	۳۳	۷.۶	۲۱.۴	۷	۲۵	۵.۶	۰.۲۹	۱۹۶۰
آنتینگ	اتومبیل	۳۳	۵	۱۶.۷	۲.۷	۱۵	۲	۰.۷۲	۱۹۵۹
سانگزیاتنگ	ابزار ماشینی	۴۰	۷.۳	۲۰	۸.۲	۲۵	۳.۸	۰.۱۱	۱۹۶۰
جیشان	پتروشیمی	۷۲	۱۰	۷۱	۱۰	۴۵	۶.۱	۰.۶۰	۱۹۷۲
بائوشان	آهن و فولاد	۱۸	۴۴.۸	۱۰.۵	۲۴	۵۰	۱۶.۹	۲.۱	۱۹۸۳

(Atash and Wang, 1990; Haixiao, 2006; Wu, 2013)

تصویر ۲: موقعیت شهرهای جدید اقماری (نسل قدیم) در منطقه کلانشهری شانگهای



(Atash and Wang, 1990)

به طور مشابه، در دهه ۱۹۵۰ م. یک مجتمع صنعتی در حومه پکن برنامه ریزی شده بود که بعدها به شهرهای اقماری صنعتی تبدیل گردید. این شهرهای اقماری که از شهر اصلی خیلی دور

نبودند، به عنوان خوشه های پراکنده^۱ یا خوشه های حاشیه ای^۲ شناخته می شدند، بدین معنا که توسعه های جدید در موقعیت های خاصی خوشه بندی شده اما این خوشه ها در سراسر منطقه شهری پراکنده می شدند. در سال ۱۹۹۰ م، طرح جامع پکن ده خوشه در منطقه شهری خود مشخص کرد که در واقع شهرهای اقماری بودند. با این حال، به جز شرکت های بزرگ دولتی که توانایی توسعه زیرساخت های خود را در حومه داشتند، فقدان مکانیزم های مالی به این معنا بود که شهرهای چینی نسبتاً فشرده بوده و نمی توانستند پراکنده رویی شهری وسیع مقیاس را ببینند. اقدامات برنامه ریزی برای این شهرها در این دوران کاملاً محدود بود، زیرا برنامه ریزی عملاً در طی انقلاب فرهنگی ۷۶-۱۹۶۶ م. رها گردید. متعاقباً در دوره پس از اصلاحات اقتصادی نیز برنامه ریزی توسعه های جدید در حومه ها تا زمان معرفی بازار زمین محدودیت داشت (Wu, 2015).

موقعیت شهرهای جدید اقماری شانگهای را باید در شرایط زمینه ای اهداف خود یعنی افزایش شمار فعالیت های اقتصادی در منطقه کلانشهری و هم زمان، تمرکززدایی از جمعیت و فعالیت از شهر مرکزی درگیر ازدحام به شهرهای اقماری، مورد ارزیابی قرار داد. بر این اساس، این نسل از شهرهای جدید در چین، نقش به سزایی را در افزایش فعالیت های اقتصادی و تمرکززدایی از آن ها در منطقه کلانشهری ایفا نمودند. در مقابل اما حقیقت این است که آن ها در خصوص هدف دیگر یعنی پراکنده ساختن جمعیت شهر مرکزی، تقریباً ناکام بودند. یکی از علل اصلی این عدم موفقیت، عدم تکامل آن ها مبنی بر فقدان مسکن و خدمات عمومی کافی و متعاقباً عدم توانایی در جذب شمار بالایی از جمعیت ساکن یا خواهان سکونت در شانگهای بود. نبود سیستم حمل و نقل عمومی متناسب میان شهر مرکزی و شهرهای اقماری و هم چنین نبود فرصت های شغلی کافی از جمله علل اصلی دیگر این ناکامی بودند. چالش های دیگری چون فقدان دسترسی به برخی از کالاهای حیاتی یا فرصت های آموزشی متعدد و متنوع از دیگر موارد قابل توجه در این زمینه هستند که خود تابعی از علل مذکور بودند (Atash and Wang, 1990).

1- Dispersed Clusters

2- Fringe Clusters

۵- ساخت و توسعه نسل جدید شهرهای جدید در چین

از اواخر دهه ۱۹۹۰ م.، استراتژی ایجاد نواحی توسعه اقتصادی و فناوری^۱ با چالش های ورود چین به سازمان تجارت جهانی، تشدید رقابت بین شهری و تغییر مقیاس دولت به منظور تقویت کنترل مرکزی، مواجه شده است. بر این اساس، استراتژی ساخت شهرهای جدید شامل سه ملاحظه ویژه بازسازی شانگهای به عنوان یک کلانشهر جهانی و به منظور پاسخ به رقابت منطقه ای، اتخاذ توسعه زمین به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی و نهایتاً ارتقاء توسعه فشرده به عنوان پاسخی به کنترل زمین تقویت شده، می باشد (Shen and Wu, 2017). بر این اساس، توسعه شهرهای جدید به عنوان یک استراتژی توسعه شهری کلیدی، مجدداً در آغاز قرن بیستم میلادی پدیدار گشت. این چنین، در دوره ای که شهرهای چینی، حومه نشینی شتاب زده ای را تجربه کردند، تغییرات عمده ای در برنامه ریزی شهرهای جدید شروع شد (Wu, 2015). شهرهای جدید این دوره، نه تنها شامل گونه سنتی شهرهای اقماری توسعه یافته در شهرهای بسیار بزرگ نظیر شانگهای است، بلکه تولیدات فضایی جدید شهری تحت نام هایی چون منطقه جدید^۲، ناحیه یا محله جدید^۳، شهرک دانشگاهی^۴ یا اکوشهر^۵ را نیز در بر می گیرد (Li and Chiu, 2017).

شانگهای به عنوان بزرگترین کلانشهر چین با منطقه اداری به مساحت ۶۴۳۰ کیلومتر مربع، تا سال ۲۰۰۰ همچنان متراکم و فشرده باقی ماند. بیشتر تحولات حومه شهری تحت سلطه صنعت قرار داشت و حومه ها، هم چنان تصویری دور و متروک را ارائه می کردند. تا سال ۲۰۰۰، مناطق مرکزی که فقط ۵ درصد (حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع) از کل منطقه اداری را تشکیل می دادند، ۴۲ درصد (حدود ۷ میلیون نفر) از کل جمعیت (۱۶/۵ میلیون نفر) را در خود جای می دادند. در حالی که میانگین تراکم جمعیت برای کل شانگهای به ۲.۶ هزار نفر در هر کیلومتر مربع افزایش یافته بود، چهار منطقه اصلی این شهر (هوانگ پو^۶، جینجان^۷، لوآن^۸ و هنگ کو^۱) با تراکمی بالغ

1- Economic and Technological Development Zones (ETDZs)

2- New Area

3- New District

4- University Town

5- Eco-City

6- Huangpu

7- Jinan

8- Luwan

بر ۳۵ هزار نفر در هر کیلومتر مربع، ازدحامی انبوه را به نمایش می گذاشتند. در همین زمان، تراکم جمعیتی در مناطق حومه ای بیرونی کمتر از ۲ هزار نفر در کیلومتر مربع بود (Shen, 2011).

بر این اساس، طرح جامع شانگهای (۲۰۲۰-۱۹۹۹م). مبتنی بر مفهوم ساختار باز چندمرکزی^۲، ایده های جدیدی را برای ساختن یک سیستم شهری متشکل از شهر داخلی، شهرهای جدید، شهرک های مرکزی و شهرک های معمولی^۳ ارائه کرد (Shi and Chen, 2015). طبق این برنامه، سیستم شهری چهار سطح شامل شهر مرکزی شانگهای با جمعیت ۸ میلیون نفر، ۹-۱۱ شهر جدید با جمعیت ۲۰۰ الی ۴۰۰ هزار نفر، ۲۲ شهرک مرکزی با جمعیت ۵۰ هزار نفر و نهایتاً ۸۸ شهرک تجاری با جمعیت ۲۰ الی ۳۰ هزار نفر را شامل می شد (Wu, 2015). ساخت و توسعه این شهرها عمدتاً روی شهرهای با زیرساخت موجود دنبال گردید و این چنین، تثبیت شهرهای اقماری در قالب شهرهای جدید بزرگ تر در حومه ها پیشنهاد شد. هدف این شهرهای جدید، میزبانی هم زمان فعالیت های صنعتی و مسکونی و تدارک خدمات عمومی بهتر بود. این چنین، انتظار می رفت که به شهرهای کم و بیش مستقل تبدیل شوند (Henriot, 2017; Wu, 2015).

طرح مذکور، آماده شد تا منطقه کلانشهری شانگهای را به «ساختاری چندمحور، چندلایه و چندهسته ای»^۴ تبدیل کند (Shen and Wu, 2017). چندمحور بودن به معنای تمرکز توسعه جدید در طول سه شریان اصلی حمل و نقل، محور شانگهای-تانجینگ، محور شانگهای-هانگژو و محور کناره رودخانه-ساحل بود. چندلایه بودن به مفهوم ایجاد یک سیستم شهری پنج سطحی شامل یک شهر مرکزی، شهرهای جدید، شهرک های مرکزی، روستاهای مرکزی و روستاها بود. در نهایت، چندهسته ای بودن به شهر مرکزی و چندین شهر جدید در حومه اشاره داشت. این ساختار فضایی همانطور که اشاره شد، بر بازنگری در مورد نقش استراتژیک شهرهای حومه ای و مناطق حاشیه ای شانگهای دلالت داشت که در دهه ۱۹۵۰ م. پیشنهاد گردید. با این وجود، تفاوت و تمایزاتی نیز به چشم می خورد. دور تازه توسعه حومه، بازسازی شانگهای به عنوان یک

1- Hongkou

2- Multi-Centre Open Structure

3- Inner City, New Cities, Central Towns, and Ordinary Towns

4- Multi-Axis, Multilayer, and Multinuclear Structure

شهر جهانی، استفاده از توسعه مسکونی به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی و نهایتاً متمرکز نمودن توسعه در شهرهای جدید حومه ای به منظور مدیریت توسعه و جلوگیری از پراکنده رویی، هدفگذاری می کرد (Shen, 2011).

با چنین رویکردی، یک پروژه آزمایشی موسوم به یک شهر و نه شهرک^۱ در بازه ۲۰۰۵-۲۰۰۱ م. آغاز به کار کرد که به سکوی پرشی برای شانگهای جهت رسیدن به مقام شهر جهانی تبدیل شد. در عین حال، هدف این پروژه، ارتقاء اثر نیروی ضد مغناطیسی^۲ حومه مبنی بر قابلیت جذب بسیار بالای شهر داخلی یا مرکزی یعنی شانگهای بود که از گذار از مدل شهر مرکزی به مدل شهر چندمرکزی نشأت می گرفت (Hartog, 2009; Shen and Wu, 2017). این چشم انداز از آنجا اتخاذ گردید که بر خلاف چشم انداز حومه گرایی در مناطق کلانشهری در امریکا که رشد حومه شهری منجر به یک ساختار فضایی چندمرکزی^۳ شده بود، حومه گرایی در چین هنوز در مرحله اولیه توسعه با حومه هایی تحت تسلط شهرهای مرکزی قرار داشت (Zhou and Ma, 2000).

این چنین، یک شهر و نه شهرک در قانونی با عنوان «درباره پروژه های پیشگام ارتقاء توسعه شهری در حومه منطقه کلانشهری شانگهای»^۴ در سال ۲۰۰۱ م. اعلام گشت که مرتبط با یازدهمین برنامه اقتصادی پنج ساله شانگهای (۲۰۱۰-۲۰۰۶) بود و یک سیستم شهری سلسله مراتبی را با تاکید بر توسعه شهرهای جدید پیشنهاد می کرد. متعاقباً، ۱۴۰ شهرک کوچک نیز در حومه شانگهای توسط دولت های محلی پیشنهاد شدند تا به بخشی از برنامه شهرهای جدید تبدیل شوند (Chen, Wang, and Kundu, 2009). برخی معتقد بودند که اگر بخواهیم دلتای رود یانگ تسه را رهبری کنیم، در رقابت های بین المللی شرکت کنیم و به یک شهر جهانی تبدیل شویم، به هیچ عنوان نباید از توسعه سالم مناطق حومه ای غافل شده و این چنین، حومه باید به جای کمر بند عبور و مرور به مقری پر جنب و جوش تبدیل گردد. در این فرآیند، یک شهر و نه شهرک در مسیر انتظارات کاهش تنش ها از شهر مرکزی (شانگهای) گام برداشته،

1- One City and Nine Towns

2- Anti-Magnetic Force Effect

3- Polycentric Spatial Structure

4- About Pioneer Projects of Promoting Urban Development in Suburbs of Shanghai Metropolitan Area

به صورت مستقل در موقعیت های خود عمل می کنند و آرزوی کسب رتبه شهر جهانی را محقق خواهند نمود (Xue and Zhou, 2007).

برجسته ترین ویژگی این طرح این بوده که با هدف ارتقاء یک تصویر جهان شهری و بین المللی^۱ در ارتباط با کلانشهر شانگهای، شهرهای جدید به سبک های متمایز غربی ساخته شوند. این چین، سانگژیانگ به عنوان یک شهر بر اساس سبک انگلیسی و نه شهر دیگر شامل آنتینگ در جیادینگ با سبک آلمانی، لودیان^۲ در بائوشان با سبک سوئدی، ژوجیاجیلئو^۳ در کینگپو با سبک چینی، فنگجینگ^۴ در جیشان با سبک امریکای شمالی، پوجیانگ^۵ در مینهانگ با سبک ایتالیایی، گائوکیائو^۶ در پودونگ با سبک هلندی، ژوپو^۷ در نانهای با سبک اروپایی-امریکایی، فنگچنگ^۸ در فنگژیان با سبک اسپانیایی و بوژن^۹ در چونگمینگ با سبک اروپایی-امریکایی هدفگذاری شدند (Shi and Chen, 2015; Xue and Zhou, 2007; Wu, 2015).
چینی ها به هنر کپی کردن شهرت دارند، اما در عین حال این تقلید را با اولویت ها و زمینه خود نیز تطبیق داده اند (Hartog, 2009). جدول ۳ مشخصات شهرهای جدید پروژه آزمایشی یک شهر و نه شهرک را ارائه می کند.

1- Cosmopolitan Image

2- Luodian

3- Zhujiajiao

4- Fengjing

5- Pujiang

6- Gaoqiao

7- Zhoupo

8- Fengcheng

9- Buzhen

جدول ۳: مشخصات شهرهای جدید (نسل جدید)
 پروژه یک شهر نه شهرک در منطقه کلانشهری شانگهای

نام شهر	ناحیه	اهداف توسعه	جمعیت برنامه ریزی شده	مساحت (کیلومتر مربع)	فاصله (کیومتر)	سبک
سانگژیانگ	سانگژیانگ	تحقیق و آموزش	۵۰۰ هزار نفر	۲۱	۳۴	انگلیسی
آنتینگ	جیادینگ	صنایع خودرو	۵۰ هزار نفر	۶۸	۲۸	آلمانی
لودیان	باوشان	گردشگری و سکونت	۳۰ هزار نفر	۱۲	۲۱	اسکاندیناویایی
ژوجیا جیانو	کینگپو	گردشگری	۲ هزار نفر	۹	۴۴	چینی (شهر آبی)
فنگجینگ	جینشان	تجارت	۴۰ هزار نفر	۱۴	۵۸	کانادایی
پوجیانگ	مینهانگ	سکونت	۱۰۰ هزار نفر	۱۵	۱۶	ایتالیایی
گانو کیائو	پودونگ	سکونت	۷ هزار نفر	۳۹	۱۵	هلندی
ژوپو	نانهوی	-	۳۰ هزار نفر	-	۱۵	اروپایی - امریکایی
فنگجینگ	فنگژیان	تجارت و صادرات	۹۶ هزار نفر	۹	۳۹	اسپانیایی
بوژن	چونگمینگ	-	-	-	-	اروپایی - امریکایی

(Ranhagen, 2014; Xue and Zhou, 2007)

متعاقبا هسته اصلی اکثر این شهرهای جدید تکمیل شده، صدها هزار خانه و امکانات محقق شده و صدها هزار دیگر نیز در دست برنامه ریزی و ساخت قرار گرفتند. در عین حال، مسائلی چون جدایی گزینی اجتماعی، ناپیوستگی مناظر شهری و کمبود فضاهای عمومی مفید نیز وجود داشتند (Hartog, 2009). از بعد فیزیکی اما تا سال ۲۰۰۵ م، سطح دستاوردها فوق العاده بود، به نحوی که در مجموع توسعه اراضی به مساحت ۴۱۰۰ هکتار شامل ۷ میلیون متر مربع واحد مسکونی و بالغ بر ۳ میلیون متر مربع امکانات و تسهیلات عمومی به پایان رسید. با محوریت این پروژه، توسعه شهری در حومه ها رونق یافت به نحوی که در اواخر ۲۰۰۴ م، بیش از ۶۰۰ کیلومتر مربع مناطق شهری وجود داشت و نرخ شهرنشینی در حومه به ۵۸ درصد رسید. پروژه یک شهر و نه شهرک تا حد زیادی سطح برنامه ریزی و توسعه شهری را در حومه ها بهبود داد و تجربه ارزشمندی را برای توسعه حومه ای آتی فراهم نمود. بر این اساس، این پروژه، چارچوب اصلی سیاستگذاری برای اجرای برنامه عظیم کلانشهری شانگهای را تنظیم نمود (Shen, 2011). تصویر ۳ موقعیت شهرهای جدید پروژه یک شهر و نه شهرک را نشان می دهد.

تصویر ۳: موقعیت شهرهای جدید (نسل جدید)
 پروژه یک شهر و نه شهرک در منطقه کلانشهری شانگهای



(Wang, Kundu, and Chen, 2010; Xue and Zhou, 2007)

در سال ۲۰۰۶ م، طرحی جدید با عنوان برنامه سیستم شهری ۱۹۶۶^۱ اتخاذ گردید که به دنبال توسعه حومه ای وسیع تر و خلق یک منطقه کلانشهری چندمرکزی به واسطه ترکیب یک شهر مرکزی، ۹ شهر جدید، ۶۰ شهرک جدید و ۶۰۰ دهکده روستایی مرکزی و اصلی بود. این طرح همسو با «سند جهت گیری برای اجرای سه تمرکز وسیع و توسعه حومه های شانگهای»^۲ بود که

1- 1966 Urban System Plan

2- Orientation Document for Implementing the Three Large Concentrations and Developing

در اواخر ۲۰۰۴ م.، تمرکز جمعیت شهری در سانگژیانگ، جیادینگ-آنتینگ و لینگانگ را پیشنهاد نمود که در مجموع شامل بالغ بر ۸۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر ساکن جدید می شد (Henriot, 2017). بر این اساس، سیستم شهری ۱۹۶۶، مجدداً به دنبال بهینه سازی ساختار فضایی منطقه شانگهای و تغییر تدریجی آن از حالت تک مرکزی به چند هسته ای به عنوان روندی تکاملی بود. در این میان، تسریع در توسعه شهرهای جدید به یک انتخاب مهم استراتژیک برای شانگهای تبدیل شده بود. ۹ شهر جدید، هر یک در یکی از نه ناحیه بیرونی شهر، برنامه ریزی گردید که باید در قالب فازهایی توسعه یابند که خود بازتاب استراتژی توسعه بلندمدت شهری از سوی دولت بر این مبنا است که موفقیت شهرها و شهرک های جدید روندی کوتاه مدت نیست (Shen and Wu, 2017; Shi, and Chen, 2015).

دولت امیدوار بود تا این شهرهای جدید حداقل نیمی از کل ساکنان حومه شهر را شامل شوند که حدوداً ۵.۵ میلیون نفر در افق ۲۰۲۰ م. بود (Shen, 2011). واقعیت این است که هجوم جمعیت مهاجر به منطقه کلانشهری شانگهای، یکی از عوامل اصلی و محرک برای رشد این شهرهای جدید بوده است. بر این اساس، این استراتژی تا حد زیادی موفق عمل کرده است، هر چند که در جلوگیری کامل از شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی ناکام بوده است (Wu, 2015). در حال حاضر، پی ریزی و تنظیم برنامه کلی این شهرهای جدید به اتمام رسیده و متعاقباً ساخت آن ها در قالب آزادسازی اراضی، احداث زیرساخت ها، پیکربندی خدمات اجتماعی و ورود صنایع انجام شده است. بر این اساس، پیشرفت کلی ساخت و توسعه آن ها به نتایج اولیه رسیده است (Shi and Chen, 2015). جدول ۴ مشخصات شهرهای جدید برنامه سیستم شهری ۱۹۶۶ را ارائه می کند.

جدول ۴: مشخصات شهرهای جدید (نسل جدید) برنامه سیستم شهری ۱۹۶۶ در منطقه کلانشهری شانگهای

نام شهر	مساحت مجموع (کیلومتر مربع)	مساحت ساخت و ساز (کیلومتر مربع)	جمعیت ^۱ (هدف)	جمعیت (۲۰۱۰)	جمعیت مهاجر (درصد)	حجم و مکانیزم سرمایه گذاری	چشم انداز
بانوشان	۸۱	۵۱	۶۵۰،۰۰۰	-	-	-	فولاد بانوشان مبتنی بر اقتصاد تولید و تدارک فولاد
مینهانگ	۱۹۴	۱۶۵	۱،۰۵۰،۰۰۰	-	-	-	هوافضای مینهانگ مبتنی بر اقتصاد هوافضا و نوآوری های فناوری
کینگپو ^۲	۵۴	۱۱۹	۷۰۰،۰۰۰ ^۰	۳۴۹،۰۰۰	٪۶۶	سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه، بالغ بر ۱ میلیارد دلار تا ۲۰۱۱	کینگپو سبز با مناظر آبی سنتی مبتنی بر صنایع گردشگری، فراغت و نمایشگاه
جیادینگ	۲۲۴	۱۴۷	۱۱۵۰،۰۰۰ ^۰	۴۷۳،۰۰۰	٪۷۹	سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه، بالغ بر ۱،۴ میلیارد دلار تا ۲۰۰۹	اتوجیادینگ به عنوان یک گره جدی برای صنعت خودرو و دفاتر مرکزی شرکت ها
جیشان	۸۱	۴۱	۴۱۰،۰۰۰ ^۰	۲۰۵،۰۰۰	٪۶۶	سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه	سیلیکون ولی صنعت پتروشیمی مبتنی بر پتروشیمی و صنایع وابسته
سانگژ یانگ	۱۶۰	۱۲۰	۱۱۰،۰۰۰ ^۰	۶۸۴،۰۰۰	٪۷۰	سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه،	شهر فرهنگی زیست پذیر با بازار املاک حومه محور و مبتنی بر

۱- در موارد فوق، جمعیت هدف به واسطه بازنگری طرح های جامع (۲۰۲۰-۲۰۱۰) تغییر کرده و افزایش یافته است.

۲- شهر جدید کینگپو به شهر جدید دریاچه دیانشان (Dianshan Lake) تغییر کرده است.

نام شهر	مساحت مجموع (کیلومتر مربع)	مساحت ساخت و ساز (کیلومتر مربع)	جمعیت ^۱ (هدف)	جمعیت (۲۰۱۰)	جمعیت مهاجر (درصد)	حجم و مکانیزم سرمایه گذاری	چشم انداز
						بالغ بر ۱.۵ میلیارد دلار تا ۲۰۰۵	آموزش عالی و به عنوان قطب جنوب شرقی شانگهای
چنگکیائو	۲۸	۲۶	۲۰۰۰۰۰	۱۱۳۰۰۰	-	سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه	شهر آبی-باغی مبتنی بر اقتصاد سبز و صنعت گردشگری و فراغت
نانکیائو	۸۴	۶۱	۷۵۰۰۰۰ ^۰	۳۰۳۰۰۰	٪۴۷	سرمایه گذاری مشترک دولت، شرکت های تجاری، مردم و خارج از کشور	اکوشهر هوشمند مبتنی بر برنامه ریزی و طراحی پایدار، اقتصاد کم کربن و به عنوان قطب جنوب شانگهای
لینگانگ ^۱	۲۹۶	۱۶۵	۸۳۰۰۰۰	۲۱۲۰۰۰	٪۷۹	سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه، بالغ بر ۱.۸ میلیارد دلار تا ۲۰۰۸	مرکز کشتیرانی بین المللی مبتنی بر بندر بین المللی یانگشان و صنعت تولید تجهیزات

(Shen, 2011; Shi and Chen, 2015; Wu, 2015)

علاوه بر شهرهای جدید، توسعه اراضی غیر کشاورزی در مناطق پیرامونی به واسطه نواحی عملگری^۲ بسیاری توسط دولت مورد سرمایه گذاری قرار گرفت که شامل شهرهای دانشگاهی و مناطق وسیع مسکن قابل استطاعت^۳ می باشد. تسهیل رشد منطقه کلانشهری شانگهای و توسعه وسیع و سریع مناطق پیرامونی نتیجه اتخاذ چنین رویکردی بوده است. با افزایش روزافزون ارزش زمین در منطقه مرکزی، بسیاری از موسسات تحقیقاتی و به ویژه دانشگاه ها، اقدام به ساخت

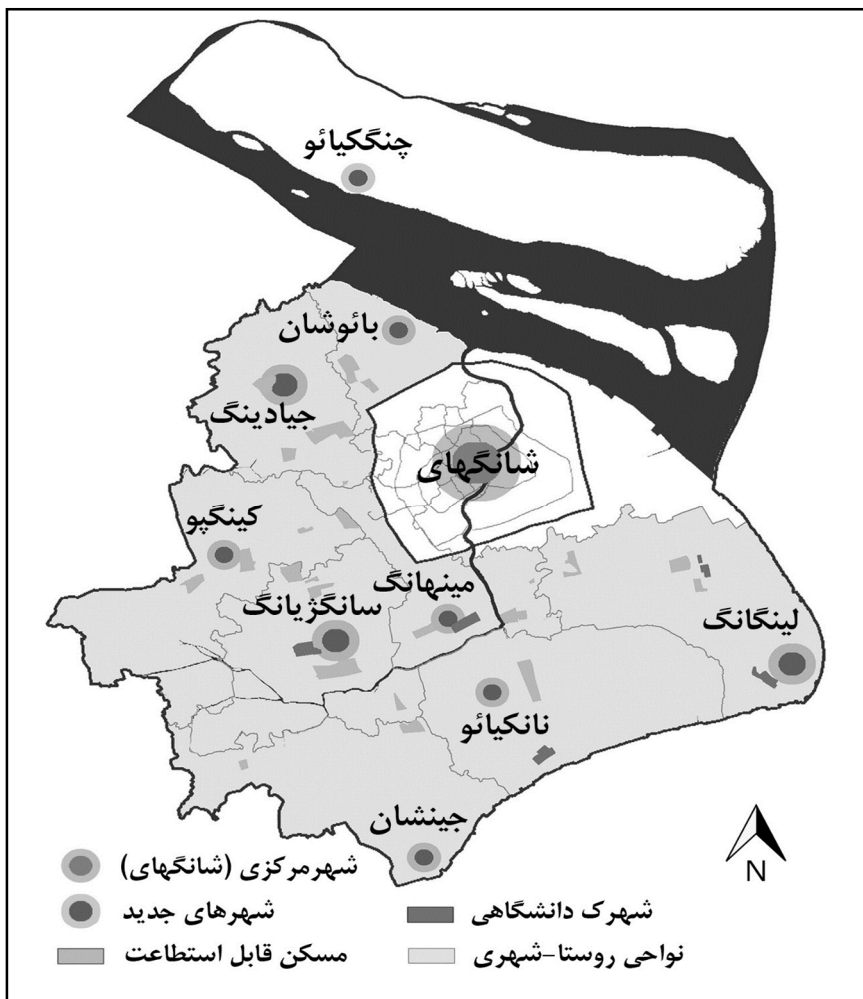
۱- شهر جدید لینگانگ به شهر جدید نانهوی (Nanhui) تغییر کرده است.

2- Function Zone

3- Affordable Housing

فضاهای دانشگاهی جدید در نواحی روستا-شهری^۱ کردند که در قالب شهرک های دانشگاهی ظاهر گشت. در حال حاضر، در مجموع ۹ شهرک دانشگاهی شامل سانگزیانگ، مینهانگ، فنگزیان، لینگانگ و نانهای در نواحی روستا-شهری شانگهای و در مساحتی بالغ بر ۲۱ کیلومتر مربع وجود دارد. علاوه بر این، به منظور کاهش فشارهای ناشی از افزایش سریع قیمت مسکن، دولت شانگهای از سال ۲۰۰۳ م. تاکنون، ۳۱ منطقه وسیع مسکن قابل استطاعت را در نواحی روستا-شهری مشخص کرده است. وسعت اراضی این پروژه ها تاکنون بالغ بر ۱۳۱ کیلومتر مربع می باشد. با افزودن پارک های صنعتی برنامه ریزی شده به شهرک های دانشگاهی و پروژه های مسکن قابل استطاعت، مجموع مساحت این اراضی به بیش از ۶۵۰ کیلومتر مربع می رسد که معادل ۶۰ درصد از اراضی در دست ساخت در منطقه پیرامونی شانگهای است. این میزان، جدای از اراضی اختصاص یافته به امکانات و تسهیلات عمومی است (Tian, Ge, and Li, 2017). تصویر ۴، موقعیت شهرهای جدید در برنامه سیستم شهری ۱۹۶۶ شانگهای و همینطور شهرک های دانشگاهی و پروژه های مسکن قابل استطاعت را نشان می دهد.

تصویر ۴: موقعیت شهرهای جدید (نسل جدید) برنامه سیستم شهری ۱۹۶۶ در منطقه کلانشهری شانگهای



(Tian, Ge, and Li, 2017)

هدف اصلی از ایجاد نسل جدید شهرهای جدید در منطقه کلانشهری شانگهای، جذب سرمایه و استعدادها، خوشه های صنعتی و قطب های رشد اقتصادی جدید است و این موضوع، یکی از تفاوت های میان نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در چین است. دولت اهمیت زیادی را به رشد عملکردی این شهرهای جدید ضمیمه کرده، هرچند که تاکنون شهر جدید دارای

عملکرد کاملاً کامل شکل نگرفته است و این چنین، عدم توسعه یکپارچه صنعت و شهر، مانع از تبدیل شدن شهر جدید به یک قطب رشد منطقه ای واقعی شده است (Shi and Chen, 2015). با این وجود، چشم انداز این شهرها بسیار متفاوت از برنامه های پیشین برای مناطق توسعه اقتصادی است. شهرهای جدید نه به عنوان موقعیت های درجه دوم یا فرعی، بلکه در جایگاه یک جلودار سرمایه گذاری استراتژیک^۱ برای یک منطقه کلانشهری چندمرکزی^۲ هستند. ضمن آنکه دولت اهمیت ویژه ای به ساخت و سازهای زیربنایی و مناظر زیبایی داده است (Shen, 2011; Shen and Wu, 2017).

این استراتژی با هدف جذب سرمایه در املاک و مستغلات و از طریق ارائه مشوق های زیرساختی دنبال می شود. با این وجود، دولت نمی تواند این پروژه ها را صرفاً از طریق دستورات اداری معین کند، بلکه باید به واسطه بازار بر توسعه حومه تاثیر گذارد (Shen and Wu, 2017). توسعه شهر جدید به عنوان مکانیسم شهرسازی و شهرنشینی در حومه شانگهای، به گونه ای اتفاق افتاده است که دولت به جای بازار، اساساً بر جابجایی منابع مسلط است، انواع مسکن را انتخاب می کند و ساخت زیر ساخت ها را نیز اداره می کند (Wang, Kundu, and Chen, 2010). این چنین، دولت های محلی توسعه این نسل از شهرهای جدید را هدایت و مدیریت کرده اند. شرکت های توسعه شهر جدید در عمل به توسعه دهندگان اصلی در بازار زمین تبدیل شدند و متعاقباً شرکت های املاک و مستغلات، اراضی خدماتی را برای ایجاد جوامع برنامه ریزی شده دریافت کردند. علاوه بر این، برنامه ساخت و توسعه این شهرهای جدید با برنامه های اقتصادی ۵ ساله دهم (۲۰۰۵-۲۰۰۱)، یازدهم (۲۰۱۰-۲۰۰۶)، دوازدهم (۲۰۱۵-۲۰۱۱) و سیزدهم (۲۰۲۰-۲۰۱۶) شانگهای مرتبط بوده اند (Henriot, 2017; Wu, 2015).

هرچند که هم چنان، ایده های طراحی ناکارآمد باعث کاهش جذابیت شهرهای جدید و توانایی آن ها در تمرکززدایی به واسطه جذب و پراکنده ساختن جمعیت در منطقه کلانشهری می شود (Shi and Chen, 2015)، اما در مقایسه با شهرهای اقماری صنعتی پیشین و مربوط به عصر اقتصاد برنامه ریزی شده، نسل جدید شهرهای جدید در چین از نقطه نظر مشخصات کاربری زمین و عملکردهای شهری به طور جامع تری برنامه ریزی شده اند. ساخت و توسعه این شهرهای

1- Strategic Investment Frontier

2- Polycentric Metropolitan Region

جدید نه تنها بر توسعه اقتصادی بلکه بر زیست پذیری و کیفیت زندگی تمرکز دارند. این رویکرد برنامه ریزی به قصد ترویج مصرف در کنار تولید و هم چنین اشتیاق برای خلق مناظر شهری متمایز و جذاب به منظور ارتقاء رقابت پذیری، پی ریزی شده است (Li and Chiu, 2017).

سرمایه گذاری قابل توجه در ساخت زیرساخت ها نتیجه چنین رویکردی بوده است. توسعه سریع شبکه حمل و نقل عمومی در مناطق پیرامونی یکی از مصداق های بارز آن است. بیش از شش خط مترو تا مناطق روستا-شهری گسترش یافته که به طور قابل ملاحظه ای دسترسی ترافیکی را افزایش و متقابلاً زمان رفت و آمد میان این مناطق و شهر مرکزی (شانگهای) را کاهش می دهد. پیش از ۲۰۰۰ م. در شانگهای صرفاً چهار بزرگراه وجود داشت که تعداد آن تا ۲۰۰۹ م. به ۱۴ مورد شامل حدوداً ۸۰۰ کیلومتر راه افزایش یافت و از این میزان حدوداً ۶۵۰ کیلومتر در مناطق روستا-شهری قرار داشت. متعاقباً از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ م.، میزان سفر ساکنان از شهر مرکزی به حومه از ۱.۷ به ۲.۳ بار در روز افزایش یافت که حاکی از افزایش ۱۰ میلیون مسافر به ۱۸ میلیون مسافر در هر روز بوده است. بنابراین، ارتباط میان شهر مرکزی و مناطق پیرامونی به طور قابل توجهی بهبود یافته و در نتیجه افراد بیشتری جذب مناطق پیرامونی شانگهای شده اند (Tian, Ge, and Li, 2017). بر این اساس شهرهای جدید در بازسازی اجتماعی-فضایی مناطق پیرامونی نقش به سزایی ایفا نموده و در حال پیدا کردن عملکرد در مسیر ترغیب توسعه منطقه کلان‌شهری شانگهای هستند. طرح جامع جدید شانگهای که در ۲۰۱۶ م. ابلاغ شده است، به دنبال تهیه راهنمای برنامه ریزی شهری برای دوره ۲۰۴۰-۲۰۱۶ م. شامل چارچوب هایی برای تداوم توسعه و ساخت و ساز در ۵ شهر جدید جیادینگ، کینگپو، سانگژیانگ، نانکیائو و نانهوی-لینگانگ است. با این وجود، این برنامه، اهداف جدید جمعیتی ارائه نکرده است (Henriot, 2017).

بحث و نتیجه گیری

ایجاد و توسعه شهرهای جدید در چین را باید در چارچوب ملاحظات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی این کشور و هم زمان از منظر مولفه ای از سیاست برنامه ریزی شهری و برنامه ریزی کلان‌شهری در پیوند با سیاست های فراتر منطقه ای و ملی که شکل دهنده به

بازتوزیع جمعیت و توسعه در مناطق کلانشهری هستند، مورد واکاوی قرار داد. این چنین، تلقی عام از مفهوم شهر جدید به عنوان شهرسازی مقدم بر شهرنشینی، با تمرکز بر ماهیت متمایز چین مبنی بر ضرباهنگ سریع رشد و توسعه شهری، بازتاب دهنده ابعاد اختصاصی این رویکرد مبنی بر توسعه برنامه ریزی شده و رسمی در پاسخ به واقعیات و تحولات بدون برنامه و غیر رسمی خواهد بود. از این رو، ایجاد و توسعه نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در چین با استناد به نمونه منطقه کلانشهری شانگهای، در واقع رهیافتی در مواجهه با افزایش فزاینده جمعیت شهرنشین و هم زمان، ارتقاء سریع رشد اقتصادی و متعاقبا هدفگذاری برای بهبود رقابت پذیری و کاهش نابرابری های منطقه ای است. کلانشهر شانگهای و سپس منطقه کلانشهری شانگهای، بستر تبلور این جریان است که نخست و ناگزیر بر ابعاد کمی توسعه متمرکز است، اما به تدریج، بر ابعاد کیفی آن نیز ورود می کند.

سیر تحول ایجاد و توسعه شهرهای جدید در چین، در چارچوب نسل های قدیم و جدید، در قالب مفاهیم شهر جدید اقماری که عمدتاً متوجه جوانب کمی توسعه است و متعاقباً، شهر جدید و تولیدات فضایی جدید مرتبط که علاوه بر ابعاد کمی، کیفیت توسعه را نیز مخاطب قرار می دهند، متمایز می شود. این چنین، اگر نسل قدیم شهرهای جدید در منطقه کلانشهری شانگهای بر تدارک مسکن در خدمت فعالیت های صنعتی و متعاقباً کارکرد اقتصادی تاکید داشتند، نسل جدید این شهرها، توسعه مسکونی را به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی و متعاقباً زیست پذیری و کیفیت زندگی، هدفگذاری می کنند. اگر نسل قدیم شهرهای جدید با اتکا به مدل صنعتی اتحاد جماهیر شوروی، توسعه حومه و پراکنده رویی شهری مبتنی بر الگوی تک مرکزی را دنبال می کردند، نسل جدید این شهرها به دنبال ساختار چندمحور، چندلایه و چندمرکزی منطقه کلانشهری شانگهای، متشکل از شهر مرکزی (کلانشهر شانگهای)، شهرهای جدید، شهرک ها و روستاها است.

هدف نخست از ایجاد و توسعه نسل قدیم شهرهای جدید، افزایش شمار فعالیت های اقتصادی در منطقه کلانشهری شانگهای است که از این حیث می توان گفت موفق عمل کرده اند. هدف دوم، تمرکززدایی از جمعیت و فعالیت کلانشهر شانگهای است که از این نظر، توفیق چندانی حاصل نشده است. در مقابل، اهداف کلیدی ایجاد و توسعه نسل جدید این شهرها، افزایش رقابت پذیری و رشد اقتصادی در منطقه کلانشهری شانگهای و هم زمان، بهینه سازی ساختار

فضایی چندهسته ای و چندعملکردی آن است که در هر دو، موفقیت نسبی حاصل شده است. آنچه در سیر تحول نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در منطقه کلانشهری شانگهای قابل توجه است، تقلیل نقش دولت مرکزی و تفویض اختیار به دولت های محلی و شرکت های توسعه و ساخت، در فرآیند تولی و مدیریت ساخت و توسعه این شهرها می باشد. متمم این تحول مدیریتی، تغییر در مکانیزم سرمایه گذاری و حرکت به سمت سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه و سرمایه گذاری هم زمان در ایجاد و توسعه شهرک های دانشگاهی، مسکن قابل استطاعت و پارک های صنعتی در نسل جدید شهرهای جدید، به جای سرمایه گذاری مستقیم دولت در صنایع و مسکن دولتی در نسل قدیم است.

سایر ابعاد و ویژگی های عام و اختصاصی نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در منطقه کلانشهری شانگهای در قالب جدول ۵، ارائه و مقایسه شده اند. توجه به مسائل و چالش های مطرح و مورد مواجهه در این سیر تحول نیز، خود مجددا گویای حرکت تدریجی از مقاصد کمی توسعه در ارتباط مستقیم با افزایش فزاینده جمعیت به سمت مقاصد کیفی توسعه در قالب پایداری، رقابت پذیری و کاهش نابرابری است. از این رو، عدم تکامل فیزیکی، عدم وجود سیستم حمل و نقل عمومی متناسب و فقدان دسترسی به خدمات عمومی و فرصت ها، جای خود را به عدم توسعه متعادل اشتغال و مسکن، عدم شکل گیری تکامل کامل عملکردی، کمبود فضاهای عمومی، طراحی ناکارآمد، ناپوستگی مناظر و جدایی گزینی اجتماعی داده است.

توجه به ابعاد و ویژگی های عام و اختصاصی این سیر تحول، می تواند برای سایر کشورها، از جمله ایران، که ایجاد و توسعه شهرهای جدید در آن ها، هم چنان موضوعیت دارد، شناسایی و کاربست تدابیری را در پی داشته باشد که با لحاظ اشتراکات و افتراقات زمینه ای، قطعاً موثر و راهگشا هستند. در حال حاضر، ضمن تداوم توسعه نسل نخست شهرهای جدید، برنامه ریزی برای ایجاد و توسعه نسل دوم شهرهای جدید در کشور با تعریف ماموریت هایی چون مشارکت بخش خصوصی، اختلاط گروه های اجتماعی، تحقق بخشی به سیاست های کلان آمایشی، گذر از مسئله اسکان جمعیت به کیفیت سکونت و هم چنین تنوع بخشی و تمرکز بر کارکردهای تخصصی شهرهای جدید، در حال پیگیری است. بر این اساس و با استناد به سیر تحول ایجاد و توسعه شهرهای جدید در چین در چارچوب نسل های قدیم و جدید در منطقه کلانشهری شانگهای، می توان توصیه های سیاستی به شرح ذیل را در خصوص برنامه ریزی برای ایجاد و

توسعه نسل دوم شهرهای جدید در ایران، ارائه نمود:

- تمرکز بر توسعه مسکونی به عنوان محرکی برای ارتقاء رقابت پذیری و رشد اقتصادی در خدمت بهبود زیست پذیری و کیفیت زندگی؛
- اتخاذ ساختار چندمحور، چندلایه و چندمرکزی برای توسعه مناطق کلانشهری متشکل از شهر مرکزی، شهرهای جدید، شهرک ها و روستاها؛
- تفویض اختیار از دولت مرکزی به دولت های محلی و شرکت های توسعه و ساخت در فرآیند تولی و مدیریت ساخت و توسعه شهرهای جدید؛
- انجام سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه در ایجاد و توسعه شهرک های دانشگاهی، مسکن قابل استطاعت و پارک های صنعتی؛

در این میان، اگر به ایجاد و توسعه شهرهای جدید در چین و نمونه منطقه کلانشهری شانگهای، به عنوان یک جریان پیوسته و تکامل یابنده توجه شود، دو مشخصه بارز و کلیدی در ارتباط با اتخاذ تدابیر مذکور حائز اهمیت است. مشخصه نخست، تثبیت توسعه نسل قدیم شهرهای جدید به واسطه بازتعریف آن ها در برنامه ریزی برای ایجاد و توسعه نسل جدید است. مشخصه دوم که به صورت نسبی در هر دو نسل قدیمی و جدید مشهود است، وجود پیوند و یکپارچگی میان ایجاد و توسعه شهرهای جدید و اسناد، طرح ها، برنامه ها و استراتژی های محلی، منطقه ای و ملی مرتبط است که طرح جامع شانگهای، برنامه های اقتصادی پنج ساله شانگهای، استراتژی ایجاد نواحی توسعه اقتصادی و فناوری، پروژه های پیشگام ارتقاء توسعه شهری در حومه منطقه کلانشهری شانگهای و جهت گیری برای اجرای سه تمرکز وسیع و توسعه حومه های شانگهای، از جمله مصادیق عینی آن ها در ارتباط با کلانشهر شانگهای و منطقه کلانشهری شانگهای هستند. از این رو، لازم است تا تعریفی روشن از جایگاه و کارکرد شهرهای جدید نسل اول و دوم کشور به صورت یکپارچه و هم پیوند در نمونه های داخلی این اسناد، طرح ها و برنامه ها شامل برنامه های ۵ ساله توسعه، طرح های آمایش استانی و سند ملی آمایش سرزمین، طرح های توسعه و عمران ناحیه ای، طرح های کالبدی منطقه ای، طرح های مجموعه شهری، طرح های جامع شهری و نیز سایر طرح های موضعی یا موضوعی دیگر با تاثیرات کالبدی- فضایی در مناطق کلانشهری، مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۵: مقایسه ابعاد و ویژگی های نسل های قدیم و جدید شهرهای جدید در منطقه کلانشهری شانگهای

ابعاد و ویژگی ها	نسل قدیم شهرهای جدید شانگهای	نسل جدید شهرهای جدید شانگهای
دوره زمانی	۲۰۰۰-۱۹۴۶ م.	۲۰۰۱ م. تاکنون
تلفی و مفهوم	شهر جدید اقماری	شهر جدید (تنوعی از رویکردها و تولیدات فضایی جدید)
ماهیت	منفرد صنعتی و وابسته	چندبعدی و نسبتا مستقل
مقیاس توسعه	کوچک مقیاس	مقیاس متوسط و بزرگ
عملکرد	- تدارک مسکن در خدمت فعالیت های صنعتی - صرفه جویی در تامین خدمات عمومی - توسعه کمی و فیزیکی - تاکید بر کارکرد اقتصادی	- توسعه مسکونی به عنوان محرک برای رشد اقتصادی - تدارک بهتر خدمات عمومی - توسعه متعادل و کیفی - تاکید بر زیست پذیری و کیفیت زندگی
مدل توسعه	- مدل صنعتی اتحاد جماهیر شوروی - تمرکز گره گونه کارخانه ها و صنایع تولیدی - توسعه حومه و پراکنده رویی مبتنی بر الگوی تک مرکزی	- ساختار چندمحور، چندلایه و چندمرکزی منطقه کلانشهری - متمرکز نمودن توسعه و مدیریت پراکنده رویی مبتنی بر الگوی چندمرکزی
اهداف ساخت و توسعه	- افزایش شمار فعالیت های اقتصادی در منطقه کلانشهری - تمرکززدایی از جمعیت و فعالیت شهر مرکزی (کلانشهر شانگهای)	- افزایش رقابت پذیری به واسطه جذب سرمایه و استعدادها و توسعه قطب های رشد اقتصادی در منطقه کلانشهری - بهینه سازی ساختار فضایی منطقه کلانشهری شانگهای در قالب یک ساختار باز چند هسته ای و چند عملکردی
استراتژی اصلی توسعه	- فاصله قابل توجه از شهر اصلی (شانگهای) با هدف عدم تاثیر پذیری از تحولات شهر مرکزی - مزیت نسبی در تولید صنعتی و متعاقبا شکل گیری روابط و وابستگی های عملکردی	- تثبیت شهرهای جدید اقماری در قالب توسعه شهرهای جدید بزرگتر - رشد و تکامل عملکردی شهرهای جدید با اهمیت دادن به زیرساخت ها و ساخت و سازهای زیربنایی
متولی ساخت و توسعه	- دولت مرکزی - شهرداری	- دولت های محلی - شرکت های توسعه و شرکت های املاک و مستغلات
مکانیزم سرمایه گذاری	- سرمایه گذاری مستقیم دولت در صنایع - سرمایه گذاری مستقیم دولت در مسکن دولتی (عمومی)	- سرمایه گذاری مشترک دولت و شرکت های توسعه - سرمایه گذاری هم زمان در ایجاد و توسعه شهرک های دانشگاهی، مسکن قابل استطاعت و پارک های صنعتی
موقعیت	- افزایش فعالیت های اقتصادی - تمرکززدایی از فعالیت های اقتصادی در منطقه کلانشهری	- تسهیل رشد منطقه کلانشهری و توسعه وسیع و سریع پیرامون - جذب شمار بالای جمعیت مهاجر به منطقه کلانشهری
ناکامی	- ناکامی در پراکنده ساختن جمعیت شهر مرکزی (تمرکززدایی از کلانشهر) - عدم توانایی در جذب شمار بالای جمعیت	- عدم تبدیل شهر جدید به یک قطب رشد منطقه ای واقعی - ناکامی در جلوگیری کامل از شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی
مسائل و	- عدم تکامل (هم مسکن و هم خدمات عمومی)	- عدم توسعه متعادل اشتغال (صنعت) و شهر (مسکن)

ابعد و ویژگی ها	نسل قدیم شهرهای جدید شانگهای	نسل جدید شهرهای جدید شانگهای
چالش ها	<ul style="list-style-type: none"> - عدم وجود سیستم حمل و نقل عمومی متناسب - میان شهر مرکزی (شانگهای) و شهرهای اقماری - عدم وجود فرصت های شغلی کافی - فقدان دسترسی به برخی از کالاهای حیاتی - فقدان دسترسی به فرصت های آموزشی متعدد و متنوع 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم شکل گیری تکامل کامل عملکردی - کمبود فضاهای عمومی مفید - طراحی ناکارآمد و متعاقبا کاهش جذابیت - ناپیوستگی مناظر شهری - جدایی گزینی اجتماعی

منابع

- ارباب، پارسا و میثم بصیرت. ۱۳۹۵. "مطالعه تطبیقی ایجاد و توسعه نسل اول و دوم شهرهای جدید: نمونه کره جنوبی." *۷مایش سرزمین* ۸(۲): ۲۷۹-۳۰۹.
- بصیرت، میثم، ۱۳۹۵. *تجارب جهانی نسل نوین شهرهای جدید*. تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- زیاری، کرامت الله. ۱۳۸۵. *برنامه ریزی شهرهای جدید*. تهران: سمت.
- مدرس، علی، هونگ لی کیو، چون پینگ ژونگ و زینگوانگ دنگ. ۱۳۸۴. "شهرهای جدید، مرزهای جدید: بررسی نمونه ای شهر شهیزی واقع در زینجیانگ چین." مقاله ارائه شده در همایش بین المللی شهرهای جدید، تهران، ۱۶-۱۲ اردیبهشت.
- Arbab, Parsa. 2018. "Greener Cities Partnership as a Consensual Reference Framework toward Sustainable Urban Development." *Ecology, Environment and Conservation* 24(1): 12-21.
- Atash, F., and X. Wang. 1990. Satellite Town Development in Shanghai, China: an Overview. *Journal of Architectural and Planning Research* 7(3): 245-257.
- Chen, X., L. Wang, and R. Kundu. 2009. "Localizing the Production of Global Cities: A Comparison of New Town Developments around Shanghai and Kolkata." *City & Community* 8: 433-465.
- Fung, K. 1981. "Satellite Town Development in the Shanghai City Region." *The Town Planning Review* 52(1): 26-46.
- Haixiao, Pan. 2006. *Shanghai from Dense Mono-center to Organic Poly-center Urban Expansion*. Hayama: Institute for Global Environmental Strategies (IGES).
- Hartog, Harry den. 2009. "Shanghai New Towns: Searching for Community and Identity in a Sprawling Metropolis." Paper presented at the 4th International Conference of the International Forum on Urbanism (IFoU), Amsterdam, Nov. 26-29.

- Henriot, C. 2017. "À l'ombre de Shanghai: une petite ville nouvelle, relais de l'urbanisation et de l'urbanité métropolitaine." *L'Espace géographique* 46(4): 329-345.
- Li, Jie, and L. H. Rebecca Chiu. 2017. "Urban Investment and Development Corporations, New Town Development and China's Local State Restructuring – the Case of Songjiang New Town, Shanghai." *Urban Geography* 39(4): 1-19.
- Liu, Xin-jing, Wei Yu, Xiao-jing Wang, Rong Sheng, Shu-cheng Zhang, and Shi-lin Liu. 2014. "Research on newly urbanized towns and districts in China." *Journal of Shanghai Jiaotong University (Science)* 19(2): 251-256.
- Pare, G., and S. Kitsiou. 2016. "Methods for Literature Reviews." In *Handbook of eHealth Evaluation: An Evidence-based Approach*. Edited by F. Lau and C. Kuziemsky. 157-179. Victoria (BC): University of Victoria.
- Ranhagen, Ulf. 2014. *Five new towns in Shanghai: Present situation and future perspectives*. Stockholm: KTH Royal Institute of Technology.
- Shen, Jie, and Fulong Wu. 2017. "The Suburb as a Space of Capital Accumulation: The Development of New Towns in Shanghai." *Antipode* 49(3): 761-780.
- Shen, Jie. 2011. *Suburban Development in Shanghai: A Case of Songjiang*. Ph.D. Thesis in Geography and Planning. Cardiff University.
- Shi, Yishao, and Yongjian Chen. 2015. "New City Planning and Construction in Shanghai: Retrospective and Prospective." *International Journal of Urban Sciences* 20(1): 49-72.
- Snyder, H. 2019. "Literature Review as a Research Methodology: An Overview and Guidelines." *Journal of Business Research* 104: 333-339.
- Tan, Xueven. 2010. "New-Town Policy and Development in China." *The Chinese Economy* 43(3): 47-58.
- Tian, Li, Biqing Ge, and Yongfu Li. 2017. "Impacts of state-led and bottom-up urbanization on land use change in the peri-urban areas of Shanghai: Planned growth or uncontrolled sprawl?" *Cities* 60(Part B): 476-486.
- UNDP. 2013. *China National Human Development Report 2013 – Sustainable and Liveable Cities: Towards Ecological Civilization*. Beijing: China Translation and Publishing Corporation.
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs (UN DESA). 2015. *World Urbanization Prospects: The 2014 Revision*, New York: United Nations.
- Van Wee, Bert, and David Banister. 2016. "How to Write a Literature Review Paper?" *Transport Reviews* 36(2): 278-288.

- Wang, Lan, Ratoola Kundu, and Xiangming Chen. 2010. "Building for what and whom? New Town Development as Planned Suburbanization in China and India." *Suburbanization in Global Society* 10:319-345.
- Wu, Fulong, 2013. "The Evolution of New Towns in China: from Industrial Satellite Towns to Eco-Cities." Paper presented at the Tongji Urban Knowledge Sharing Workshop: New Towns and New Districts in China – Challenges and Opportunities, Shanghai, Nov. 12-13.
- Wu, Fulong, 2015. *Planning for Growth Urban and Regional Planning in China*. New York: Routledge.
- Xue, C., and M. Zhou. 2007. "Importation and adaptation: building 'one city and nine towns' in Shanghai: a case study of Vittorio Gregotti's plan of Pujiang Town." *Urban Design International* 12: 21-40.
- Xue, Charlie Q.L., Ying Wang, and Luther Tsai. 2013. "Building New Towns in China – A Case Study of Zhengdong New District." *Cities* 30: 223-232.
- Yin, Guanwen, Yungang Liu, and Fenglong Wang. 2018. "Emerging Chinese new towns: Local government-directed capital switching in inland China." *Cities* 79: 102-112.
- Yin, Robert K. 2003. *Case Study Research: Design and Methods*. London, Sage.
- Zhou, Yixing, and Laurence J. C. Ma. 2000. "Economic Restructuring and Suburbanization in China." *Urban Geography* 21(3): 205-236.